

مسجد و حکومت

سید احمد خاتمی

کست دوم

اشاره:

بررسی احکام مسجد از نظر فقهی، همواره مورد توجه فقیهان و اندیشمندان علوم اسلامی بوده، و به مناسبت‌های گوناگون در کتابهای فقهی بیان شده است.

مجله مسجد با توجه به اهمیت مباحث فقهی درباره مسجد، در گذشته مقالاتی را به این موضوع اختصاص داده بود، و از شماره قبل اولین مقاله از سلسله مقالات فقه المساجد نوشته فاضل ارجمند تحت عنوان «مسجد و المسلمین» سید احمد خاتمی را تقدیم کرد.

در شماره پیشین، تفاوت در مسجد بررسی شد. در این شماره، اجرای احکام، اساس حدود و آموزش نظامی در مسجد، به بحث می‌آید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِغْفِرًا لِمَن يَخْشَى اللَّهَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَغْفِرًا لِمَن يَخْشَى اللَّهَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجرای احکام و اقامه حدود در مسجد

از مباحث مهمی که در باب حکومت مورد توجه است، مسئله اجرای احکام و اقامه حدود در مسجد است. در این باره باید مسائل ذیل مورد بحث قرار گیرد:

الف: بی تردید، اجرای حدودی که مستلزم آلوده کردن مسجد به نجاست باشد حرام است، زیرا از مسلمات فقه، حرمت آلوده کردن مسجد به نجاست است. بنابراین، اجرای حکم اعدام یا قصاص در مسجد در صورتی که همسراه با خونریزی باشد، حرام است. لکن، برخی گفته اند: اگر فرشی که مانع رسیدن خون به فرش یا در و دیوار مسجد باشد که حکم بر آن اجرا گردد، بلا مانع است، مانند فرشی که از پوست یا از جنس پلاستیک است. مرحوم شیخ طوسی (ره) دو کتاب خلاف، این نظر را به ابوحنیفه نسبت داده است: «... و حکمی عن ابی حنیفة جوزاه و قال یفرش نطح^۱ فان کان منه حدیث کان علیه...» (از ابوحنیفه جواز اقامه حدود در مسجد حکایت شده است. وی گفته است: فرشی از پوست در مسجد پهن کنند، و حدود را بر آن اجرا نمایند که اگر خونریزی شد، بر آن بشود). لکن، در کتاب الفقه الاسلامی وادائه، از ابوحنیفه، کراهت نقل شده است: «... و قال الجمهور منهم الحنبلية و الشافعية و الحنابلة: لا تقام الحدود فی المساجد...»^۲. به هر حال، حکم

فوق یا بر مبنای این است که ادخال نجاست در مسجد اگر موجب تنگ نباشد جایز است، چنانکه حکم به جواز ورود مجروح (کسی که جراحتی در بدن دارد که همراه با خونریزی است)، سلوس (کسی که می‌اخته‌بار بول و شایط از او خارج می‌شود) و مستحاضه به مسجد کرده‌اند، در صورتی که ورودشان همراه با آلوده کردن مسجد نباشد^۳. یا بر مبنای استثنا از حرمت ادخال نجس در مسجد است.

ب: نیز، تردیدی نیست که اجرای احکام و حدودی که سبب آلودگی مسجد به نجاست نباشد، به ۳ دلیل حرام نیست:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) روایت کرد: لا تقام الحدود فی المساجد^۴ (باید حدود را در مساجد اقامه کرد).

۲. حکیم بن حزام نیز از پیامبر اکرم (ص) روایت کرد: فان النبی (ص) نهی ان تقام الحدود فی المساجد و ان یستفاد فیها^۵ (پیامبر اکرم (ص) از اجرای احکام و قصاص در مسجد نهی کرد).

۳. لکن نمی‌توان به این ۲ خبر استدلال کرد، زیرا: اولاً: این ۲ روایت فقط در مجامع روایی اهل سنت آمده و در منابع اصیل شیعی نقل نشده است، و اگر هم در مجامع روایی متأخر نقل شده از منابع کتب عامه است.

ثانیاً: هر ۲ روایت، مرسل است. ثالثاً: اصحاب طبق این ۲ روایت فتوا نداده و از آن اعراض کرده‌اند. و هر روایتی هر چند در غایت صحت مستند باشد، اعراض اصحاب از آن سبب وزن آن است. بدین ترتیب، اثبات شد دللیلی بر حرمت اجرای احکام و اقامه حدود در مسجد نیست.

ج: در بسیاری از کتب فقهی، اجرای احکام و اقامه حدود در مسجد مکروه شمرده شده است. برخی از بزرگان همچون: مرحوم محقق حلّی^۶، علامه حلی^۷، شهید اول^۸، شهید ثانی^۹، مقدس اردبیلی^{۱۰} و محقق سبزواری^{۱۱}، عبارت: «الاقامه الاحکام» (اجرای احکام) را برای کراهت به کار برده‌اند.

احتمال داده شده است که مقصود از تعبیر فوق، همان صدور حکم و قضاوت باشد، نه اجرای آن.^{۱۲} نیز، محتمل است که

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

۲. اطلاق ادله اجرای احکام و حدود الهی، گویای جواز اجرای آن در همه مکانها و زمانهاست، مگر دلیل خاص بر حرمت باشد.

۳. ادله قائلان به حرمت اقامه حدود، ۲ روایت می‌باشد، که در کتب عامه آمده است. این ۲ روایت عبارتند از:

۱. اصل، عدم حرمت اجرای احکام و حدود در مسجد است.

کرد. اما اخباری که مرحوم شیخ به عنوان دلیل ذکر کرده است، شاید مراد ایشان مرسله علی بن اسباط است^{۱۶} - که سند و متن آن را در قسمت اول آوردیم - که از جهت سندی به جهت ارسال قابل اعتماد نیست، و مراسیل دیگری هم که نقل شده است همگی از جهت سند ضعیف است.

۲. اینکه اجرائی حد در مسجد، مستلزم استخراج حدت و خبیث، فرهاد و سرو صدا، گفتار ناهنجار در مسجد است و این امور مکروه است. ناگفته روشن است که اجرائی حد مستلزم استخراج خبیث - آلوده کردن مسجد - در مسجد حرام است - آنچنان که گشت - اما استدلال بر اینکه اجرائی حد مستلزم امور فوق است، در حقیقت اثبات کراهت امور فوق است، نه کراهت اقامه حد به خودی خود، هر چند مستلزم امور فوق نباشد.

تا اینجا دلیلی بر کراهت اجرائی احکام و اقامه حدود در مسجد نیافتیم، مگر آنکه قائلان به تسامح در ادله مکروهات استدلال کنند. در این مورد در قسمت اول گفتیم: اولاً، بر فرض پذیرش قاعده فوق، تنها در مستحبات تسامح پذیرفتنی است.

ثانیاً، دلالت اخبار من بلغ^{۱۷} بر تسامح در مستحبات، محل کلام و تأمل است تا چه رسد در مکروهات.

لکن، در پایان این قسمت مجدداً تذکر این نکته لازم است که دلیلی بر استحباب اجرائی احکام و اقامه حدود نیز در مسجد نداریم. بنابراین، باید مسجد را در جایگاه شایسته خود که پایگاه نشر نور معارف الهی است قرار دهیم. البته، به این مقدار هم اثبات شد که این ادعا نیز نمی‌تواند دلیلی بر جدایی مسجد از سیاست باشد.

سخن گفتن درباره امور دنیا

از اموری که چه بسا برای جدایی مسجد از سیاست به آن استدلال می‌شود، کراهت سخن گفتن از امور دنیوی در مسجد است. این کراهت را ابن ادوس^{۱۷}، شهید اول^{۱۸} و برخی دیگر نقل کرده‌اند، و مرحوم محقق یزدی نیز در العروة الوثقی^{۱۹} ذکر کرده است. دلیلی که بر این امر آورده‌اند، عبارت است از:

۱. مسجد برای عبادت و وضع شده است، و سخن گفتن در امور دنیا با این هدف در تنافی است. در روایت جمع‌سیرین ابراهیم به نقل از حضرت امام سجاده(ع) آمده است آن حضرت از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است: «... انما نصبت المساجد للقرآن»^{۲۰} (مساجد فقط برای قرآن قرار داده شده است).

۲. در روایت دیگر از امام صادق(ع) آمده است: «بانی فی آخر الزمان قوم یأتون المساجد فیبغضون فیها حلقاً ذکرهم الدنیا وحب الدنیا لا یتالسروهم فلیس لله فیهم حاجة»^{۲۱} (در آخر الزمان گروهی به مسجد می‌آیند و اجتماعاتی در مسجد تشکیل می‌دهند که تمام یادشان دنیا و محبت آن است. با آنها همشینی نبوده که خداوند حاجتی به اینها ندارد).



مقصود از این تعبیر، اجرائی احکام مثل حبس، اجرائی حد و تعزیر باشد، همان طوری که مرحوم علامه ابن احتشال^{۲۲} و پذیرفته است.^{۲۳}

برخی دیگر، واژه «اقامه الحدود» را به تنهایی یا به همراه «التفاد الاحکام» ذکر کرده‌اند، که به عنوان مصداق روشن از مصابیح اتفاد احکام است. دلایلی که بر این کراهت اقامه شده است، عبارتند از:

۱. جناب شیخ طوسی در این مورد، در کتاب خلاف ادعای اجماع کرده و فرموده است: «بکراهه اقامة الحدود فی المساجد و به قال جمیع الفقهاء و حکمی عن ابی حنیفة جوازہ... دلیلتنا اجماع الثرقة و اخبارهم»^{۲۴} (اقامه حدود در مساجد مکروه است و جمیع فقهاء(صاهه) بر این قولند، لکن از ابوحنیفه جواز حکایت شده است... دلیل ما بر کراهت، اجماع فرقة شیعه امامیه و اخبار آنهاست...).

لکن، روشن است که اجماع شیخ در اینجا و بسیاری موارد خلاف، «اجماع علی القاعدة» است، نه اجسامی که بر اساس مبانی پذیرفته شیعه حتی خودش باشد. به دیگر عبارات، مبتای شیخ در باب اجماع، «قاعده لطفه» است، و او در ادعای اجماع در کتاب خلاف، این مبانی خود را ملحوظ نداشت است. بر این اساس، نمی‌توان به ادعای اجماع در کتاب خلاف اعتماد

الف: سند هر ۲ روایت ضعیف و روایت دومی مرسل است.

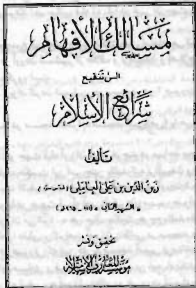
ب: چنانکه در قسمت اول گفته شد، حصر در روایت اول قطعاً اضافی است، وگرنه باید دعا، توسل و حتی نماز در مسجد را هم طبق روایت زیر سؤال برد. مقصود روایت این است که مسجد را باید با پاکه نشر نور ایمان قرار داد و هرگز نباید مسجد، سکوی رشد دنیاپرستانی قرار گیرد که معبودی جز دنیا ندارند.

ج: سخن گفتن از مسائل سیاسی که تعیین کننده سرنوشت جامعه اسلامی است، از اهم مسائل معنوی است. در پیش اسلام، معنویت جدا از مسائل زندگی نیست، گرچه بعضی از متصرفان چنین القا می کنند که ورود در مسائل سیاسی، انسان را از خدا باز می دارد. واقعیت این است که ورود در مسائل سیاسی به معنای رایج سیاسی امروز دنیا، انسان را سقوط می دهد، زیرا در این سیاست جز دروغ، حيله، تهمت و... چیزی نیست. ولی سیاستی که ما آن را از دیانت جدا نمی دانیم، از این معنای نادرست فرسنگها فاصله دارد، و به معنای فن مدیریت و تدبیر جامعه است. این معنا با حفظ موازین نه تنها انسان را از خداوند دور نمی کند، که تقرب الی الله است. به تعبیر زیبای امام خمینی(ره): «در سیر الهی لازم نیست که انسان در یک گوشه بنشیند و بگوید من می خواهم سیر الی الله داشته باشم. خیر، سیر الی الله همان سیره و روش انبیا و خصوصاً پیغمبر اسلام و الیه معصومین(ع) است، که در عین حالی که در جنگ وارد می شدند و می کشیدند و کشته می دادند و حکومت می کردند، همه چیز سیر الی الله بود. این طور نبوده که آن روزی که حضرت امیر(ع) مشغول است سیر الی الله نباشد، و فقط در هنگامی که نماز می خواند سیر الی الله باشد. هر دوی سیر الی الله بود. لذا، پیغمبر می فرمایند: فسریت علی در روز خندق، افضل از عبادت ثقلین است.^{۲۲} سیاست به معنای فوق، در متن زندگی صالحان قرار دارد که در رأس صالحان جهان انسانیت، امام علی(ع) است، و نمی توان سخن از آن را تکلم در امور دنیا به حساب آورد. به همین دلیل، امامان معصوم(ع) مهم ترین مسائل سیاسی خود را به هنگام حج، در مسجد خیف در منی و در مسجد الحرام بازگو می کردند.

آموزش نظامی در مسجد

از اموری که بر برخی بزرگان همانند شیخ طوسی^{۲۳}، علامه حلی^{۲۴}، شهید اول^{۲۵} و محقق ثانی^{۲۶} از مکروهات در باب مسجد شمرده اند، در آوردن شمشیر از غلاف و تراشیدن و اصلاح تیر در مسجد است.

در روایت صحیحه محمد بن مسلم آمده است که امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) فرمودند: نهی رسول الله(ص) عن



سئل السیف فی المسجد و من یری التیغ فی المسجد قال انما ینى لشمیر ذلك^{۲۷} (پیامبر اکرم(ص) از بیرون آوردن شمشیر از غلاف و تراشیدن و اصلاح تیر در مسجد نهی کردند، و نیز فرمودند: مسجد برای غیر اینها ساخته شده است).

نیز، در مروعه محمد بن احمد آمده است: «ان رسول الله (ص) مرّ برجل یری مشانص له فی المساجد فنهاه وقال انما لشمیر هذا بنیت»^{۲۸} (پیامبر(ص) مردی را در مسجد دید که مشغول اصلاح تیر بود. ایشان او را نهی کردند و فرمودند که مساجد برای این بنا شده است).

در روایت صحیحه حلی آمده است که از حضرت امام صادق(ع) پرسیدم: «ایملاق الرجل السیاح فی المسجد؟» قال: نعم. و اما فی المسجد الاکبر فلا، فان جدی(ع) نهی رجلاً یری مشفصاً فی المسجد^{۲۹} (آنها جایز است کسی سلاح را در مسجد آویزان کند؟ فرمودند: آری. اما در مسجد بزرگ [احتمالاً مسجد الحرام، مسجد النبی یا هر مسجد جامعی] این کار جایز نیست. زیرا جدم مزدی را که در مسجد تیرش را اصلاح می کرد، نهی کردند).

در روایت علی بن جعفر از برادر بزرگوارش، امام کاظم(ع)، آمده است که از حضرت سؤال کردم: «هن السیف هل یصلح ان یعلق فی المسجد فقال اما فی القیلة فلا و اما فی

جانب فلاهاس»^{۳۰} آیا جایز است شمشیر را در مسجد آویزان کرده فرمودند: در جانب قبله نه، اما در غیر آن جهت بلا مانع است.

از مجموع این چند روایت، نکات ذیل استفاده می شود:

۱. در آوردن شمشیر از خلاف و تراشیدن و اصلاح نیز در مسجد مکروه است.
۲. آویزان کردن شمشیر در مسجد، در ۲ صورت مکروه است:

الف: در مسجد الحرام، مسجد النبی (ص) یا هر مسجد جامع

ب: در جهت قبله آویزان کردن هر چند در مساجد محل شاید، حکمت این امر چنین باشد که تراشیدن و اصلاح نیز، سبب کثیف شدن مسجد می گردد و در آوردن شمشیر از خلاف یا در جهت قبله آویزان کردن، سبب حواس پرتی نمازگزاران می شود. به هر حال حکمت هر چه باشد، نمی توان این ادله را دلیلی بر کراهت آموزش نظامی در مسجد دانست.

البته، در صورتی که این کار به مسجد آسیبی نرساند، و برای کارهای عیبادی و فرهنگی آن مزاحمت ایجاد نکند، اطلاق اولیه ای که ترمذی به آموزش نظامی و ضرورت آن برای جامعه



اسلام می کند، آموزش را هم شامل است، مگر آنکه دلیل قطعی بر تنبیه باشد. از جمله این اطلاعات آیه شریفه سورة انفال است: «واعلموا لهم ما استلتمن من قوة و من رباط الخيل تربون به عدو الله و عدوكم و عدوكم و انتم فی سبيل الله یوف الیکم و انتم لا تظلمون»^{۳۱} (در برابر آنها دشمنان) آنچه استلتمن دارید از نیرو و آماده سازید، (و همچنین) اسبهای روزبه (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید (و همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسد. و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد).

واژه «قوة»، شامل تمام نیروها و قدرتهای مادی و معنوی است که به نوعی از انواع دو پیروزی بر دشمن اثر دارد. از مصادیق بارز قوه، «آموزش نظامی» است. در روایاتی از اهل بیت(ع) رسیده است: «ان القوة سیف و ترس»^{۳۲} (مصدق قوه، شمشیر و سپر است)، و نیز: «ان القوة الرمی» (مصدق قوه، تیراندازی است).^{۳۳}

نیز، از جمله آیاتی که اطلاق آن آموزش نظامی را نیز فرامی گیرد، این آیه است: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانتموا نبیات اوائفروا جمیعاً»^{۳۴} (ای کسانی که ایمان آورده اید، آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید، و در دسته های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط موجود)، به سوی دشمن حرکت نمایید).

واژه «حذرو» به معنای بیداری است، و سر از: «رجل حذر»^{۳۵} مرد بیداری است که متوجه اطراف می باشد که خطری به او وارد نشود، و آماده مقابله است. واژه «حذرو» به قدری وسیع است که هر گونه وسیله مادی و معنوی را دربر می گیرد، از جمله اینکه مسلمانان باید در هر زمان، از سوقعت دشمن، نوع سلاح، روشهای جنگی، میزان آمادگی، تعداد اسلحه و کارایی آنان باخبر باشند، زیرا تمام این موضوعات در پیشگیری از خطر دشمن و حاصل شدن مفهوم «حذرو» مؤثر است. به هر حال، از مصادیق بارز «حذرو»، آموزش نظامی است. این کار باید در مراکز مربوطه به بخرد انجام شود، ولی اگر در شرایطی به گونه ای شد که مکانی جز مسجد برای آموزش نظامی نبود، این امر جایز بلکه در برخی شرایط مستحب و گاه واجب می شود؛ البته با تأکید بر حفظ جمیع موازن مربوطه به مسجد و نگهداری حرم آن.

